

جنگ اسرائیل

پنجشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۳
<div><div>🇮🇱</div><div>🇦🇪</div></div>
شماره ۴۲۴۹
<div><div>🇮🇱</div><div>🇦🇪</div></div>
FARHIKHTEGANDAILY.COM
<div><div>🇮🇱</div><div>🇦🇪</div></div>
FARHIKHTEGANONLINE

جنگ

جنگ

جنگ

جنگ

جنگ

جنگ

جنگ

جنگ

جنگ

آمریکا تصمیم گرفته برای نظم جدید منطقه ای رژیم صهیونیستی را به مسلخ جنگ طولانی مدت ببرد

جنگ واشنگتن با خون صهیونیست‌ها



رسانه‌های جمعی تحت نفوذ آمریکا تلاش کرده‌اند در درون قضایای جنگ طوفان الاقصی، این روایت را جان‌بدارند که واشنگتن خواهان آتش بس است. آنها ادعا می‌کنند واشنگتن اگر هم از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند صرفا به دلایل محدودی مانند پشتیبانی از توانمندی‌های «دفاع از خود» تل آویو است.
با این حال شواهدی که به رسانه‌ها نیز درز کرده‌اند، حکایت از طراحی بلندمدت و سنگین آمریکا در منطقه دارند که جنگ‌های کنونی در فلسطین و لبنان، تنها بخشی از آن است. بر این اساس تحکرات کنونی آمریکا در منطقه برای حفاظت از رژیم صهیونیستی نیست بلکه این تل آویواست که برای اجرای سیاست‌هاو تأمین منافع واشنگتن قوی‌انظمی خود را به حرکت آورده و خون صهیونیست‌ها را برای اجرای دستورات کاخ سفید به زمین می‌ریزد. به‌نازکی روزنامه عربی زبان معاریو، به این پدیده اشاره کرده است.
در یادداشتی که اخیرا در این روزنامه منتشر شده، آمده آنچه رژیم صهیونیستی نامیده می‌شود، در واقع پیمانکار اجرای منافع آمریکا در منطقه است. به گزارش تسنیم، ران ادیلیست نویسنده این یادداشت در این رابطه تأکید کرده است، افزایش حملات اسرائیل در واقع طرحی آمریکایی برای تضعیف حزب‌الله و ایران است تا بتواند تدابیر و برنامه‌های منطقه‌ای واشنگتن و دولت فعلی حاضر در کاخ سفید را به پیش ببرد. این نویسنده افزوده: «اسرائیل چیزی فراتر از یک چماق در دست جو بایدن نیست و مشخص است که ایالات متحده تمایلی برای افزایش درگیری به سطحی که تبعات منفی بر انتخابات ریاست جمهوری پیدا کند، ندارد.»
استفاده ابزاری آمریکا از رژیم در برهه کنونی، خشم دیگران را نیز در سرزمین‌های اشغالی برانگیخته است. اسحاق بریک، ژنرال بازنشسته صهیونیست در یادداشتی در روزنامه هآرتس با اشاره به عملیات وعده صادق ۲ نوشته است: «در روزهای اخیر دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا به ما پیشنهاد داد به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کنیم، اما ما از ترامپ می‌پرسم چرادر زمانی که رئیس جمهور آمریکا بودی با توجه به ظرفیت‌ها به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله نکردی و آن را تخریب نکردی. قدرت و توانمندی آمریکا صدها برابر از اسرائیل بیشتر است. شما به ما توصیه‌هایی می‌کنید که به تنهایی جرئت نکردید آنها را اجرا کنید، پذیرش توصیه ترامپ صدمات وحشتناکی برای اسرائیل به همراه خواهد داشت و به نقطه‌ای بی‌پایگشت منجر می‌شود.»
هشدار بریک نشان می‌دهد در طبقه حاکم رژیم نیز تعدادی از صاحب‌منصبان نسبت به سیاست‌های آمریکا برای به مسلخ فرستادن صهیونیست‌ها جهت تأمین منافع کاخ سفید، واقف شده‌اند. بر همین اساس این ژنرال صهیونیست پیروی دولت رژیم از آمریکا را خطری موجودیتی می‌داند و معتقد است «بنیامین نتانیاو، یوآو گالانت و هرتزی هالوی صرفا روی پان یونیون اسرائیل شرط بندی می‌کنند.»

۱- آمریکا و جنگیدن تا آخرین سرباز صهیونیست
واشنگتن تصمیم خود را گرفته و می‌خواهد تا آخرین سرباز صهیونیست بر سر تأمین منافع خود بچنگد. در این خصوص نکاتی وجود دارد:

۱. آمریکا در طول جنگ طوفان الاقصی یکی از مهم‌ترین عناصر قدرت خود یعنی

قدرت نرم رادر معرض خطر قرار داده است. کشتارهای وسیع رژیم صهیونیستی در غزه وتهاجم به چندین کشورو جنایت باعث شده تاوجه حقوق بشری آمریکا نیز آسیب ببیند. این وجهه نه تنها یکی از عناصر قدرت و تفاخر آمریکابود، بلکه ابزاری نیز به حساب می‌آمد که واشنگتن در برخورد با دشمنان برای تضعیف و کنترل‌شان به کار می‌برد. امروزه اما به نظر می‌رسد آمریکا براساس منافع اناساسی خود و طراحی‌های جدیدش، ظرفیت‌ها و قدرت درپای نرُم خود را نادیده گرفته وآن را به پای کشتارهای رژیم صهیونیستی در غزه ذبح کرده است.

۲. نگاه آمریکا به رژیم صهیونیستی به‌عنوان پیمانکار خود در منطقه، امروزه نمود بارزی یافته اما شواهد تاریخی نیز بر همین مینا وجود دارند. رژیم صهیونیستی علی‌رغم رولبزرگ‌یک‌پانفادقتضمن‌های‌رسمی‌امنیته‌ای‌جانب‌واشنگتن در قالب پیمان یا توافق دفاعی دوجانبه است؛ این درحالی است که آمریکا با کشورهای اروپایی در قالب پیمان همکاری آتلانتیک شمالی موسوم به «نا‌تو» و همچنین در قالب توافقی‌های دوجانبه با ژاپن و کره جنوبی، تضمین‌های امنیتی محکمی را که شامل چتر هسته‌ای هم می‌شود، به متحدانش ارائه کرده است.

در این میان آمریکا هیچ امتیاز مشابهی در اختیار رژیم صهیونیستی قرار نداده است. با این وجود برای مدت‌ها فرض می‌شد اگر تهدید علیه تل آویو بروز کند، آمریکا بدون چنین توافقاتی به دفاع از صهیونیست‌ها برخواهد‌خاست. به‌عنوان مثال، زمانی که تأسیسات نفتی آرامکو عربستان سعودی در سال ۲۰۱۹ به شکل رموز و پیچیده‌ای مورد حمله قرار گرفت، آمریکا برای دفاع از عربستان اقدامی نکرد اما همان زمان این‌گونه برداشت می‌شد که واشنگتن گرچه در دفاع از متحدان عرب خود اهمال می‌کند اما از چنین تعللی در ارتباط با صهیونیست‌ها خبری نیست. علی‌رغم این برداشت، نیر ضربه رفتن رژیم پس از ۷ اکتبر و حداقل دو حمله مستقیم تهران به سرزمین‌های اشغالی طی دو عملیات وعده صادق، آشکار ساخت واشنگتن برای تل آویو نیز به آب و آتش نمی‌زند.

آمریکارچرند در همراهی با چند کشور اروپایی در عملیات‌های وعده صادق برای دفاع از رژیم در برابر برپتانه‌ها وارد عمل شد اما از انجام اقدام تهاجمی علیه ایران که می‌توانست به موجی از حملات انتقام‌جویانه علیه پایگاه‌هایش در منطقه منجر شود، خودداری کرد.

البته در این میان باید توجه داشت، تئدروی ذاتی صهیونیست‌هانیز در روند رولب توافق دوجانبه می‌تواند باعث ایجاد محدودیت در فعالیت‌های رژیم شود؛ زیرا براساس توافقات رسمی، تل آویو مجبور خواهد شد فعالیت‌های بیشتری را با واشنگتن هماهنگ کند. بالاتر از آن، در چنین شرایطی آمریکا می‌تواند تعداد زیادی پایگاه در سرزمین‌های اشغالی ایجاد کرده و هزاران سرباز را در آنها مستقر یا از آنها منتقل کند. صهیونیست‌ها هرچند رولب تنگ‌تانگی با آمریکا دارند، همانند رولبلی‌که با انگلیس برقرار کرده بودند اما تمایلات خودسرانه و تند ی نیز دارند. در جریان دوره قیومت انگلیس بر سرزمین فلسطین، گروه‌های شبه‌نظامی صهیونیست عملیات‌های زیادی علیه مسئولان انگلیسی مستقر در منطقه انجام دادند تا تنها بتوانند شکل‌گیری رسمی رژیم صهیونیستی را سریع‌تر به انجام برسانند. آنها علیه کسانی دست به تئور و کشتار می‌زدند که در همان لحظات در تدارک تشکیل رژیم صهیونیستی بودند اما کشته می‌شدند؛ زیرا صهیونیست‌ها خواهان تشکیل سریع‌تر و متفاوت‌تر رژیم بودند. چنین تمایلاتی بر رولب آمریکا و رژیم نیز سایه افکنده است. با این وجود آمریکا از طریق ساختارهای دولت عمیق خود

آمریکا تصمیم گرفته برای نظم جدید منطقه ای رژیم صهیونیستی را به مسلخ جنگ طولانی مدت ببرد

جنگ واشنگتن با خون صهیونیست‌ها

به‌ویژه در ارزش و صنایع نظامی که ملی‌گرا تر بوده و کمتر از نهاد‌های سیاسی و احزاب، تحت تأثیر لابی صهیونیستی اند، کنترل مؤثری بر تل آویو اعمال می‌کند.
دولت آمریکا درحال استفاده از رژیم صهیونیستی برای تخریب منطقه است. به نظر می‌رسد سیاست تخریب منطقه توسط آمریکا دارای اهداف متعدد دی است. در وهله نخست، آمریکا قصد دارد از ملت‌ها و جنبش‌های مقاومتی منطقه که خواهان بازیابی استقلال کشورهای خود از آمریکا‌یند، انتقام بگیرد. واشنگتن قصد دارد به این ملت‌ها و جنبش‌ها گوشزد کند آنها پس از تسلط بر امورات خود تنها وارث دولت و کشورهای ضعیف نخواهند شد، بلکه ویرانی‌ها به ارت می‌ریزد. به عبارتی دیگر، جنبش‌های مقاومتی پس از تسلط بر یک کشور، بر همان ساختارهای دولت ضعیف و تحت نفوذ آمریکا هم دست نخواهند یافت، زیرا واشنگتن همان امکانات محدود را نیز منهدم کرده و این انهدام را به تمام زیرساخت‌های کشور سرایت خواهد داد.

در وهله دوم، آمریکا قصد دارد در اذهان ملت‌ها خود را باز یگیزی نظم ساز تصویر کند که در فقدانش آشفتنگی و بی‌نظمی به شکل افسارگسیخته‌ای رشد می‌کند. نوع خروج آمریکا از افغانستان حکایت از وجود این هدف در واشنگتن دارد. پس از خروج آمریکا از افغانستان، ساختارهای دولتی فروپاشید و سیل مهاجران به ایران و پاکستان روانه شد. بروز مشکلات اقتصادی و امنیتی درپی هجوم مهاجران افغانستانی به ایران، یکی از اهداف آمریکا بود تا اقدامی فریبکارانه در اذهان مردم ایران این‌گونه جابیندازد عاملی که باعث عم فروپاشی افغانستان و سیل مهاجران می‌شد، اشغالگری واشنگتن بود.

در مورد سوم، آمریکا قصد دارد پس از ویرانی کشورهای منطقه، با اتکا به پول، فناوری و نفوذ امنیتی خود و ایفای نقش در بازسازی آنها، بار دیگر نفوذ از دست رفته خود را به دست آورد. تسلط آمریکا بر کشورهای منطقه پس از بازسازی ویرانی‌ها، همان احیای سلطه پیشین واشنگتن است اما هزینه‌ای که صرف بازسازی کشورها می‌شود، جبران‌کننده عدم نفع چند ساله آمریکا می‌ها در سالیانی خواهد بود که ملت‌های منطقه تلاش کرده بودند خود را از یوغ کاخ سفید رها کنند. این هزینه جبرانی، صدها میلیارد دلار خواهد بود به‌گونه‌ای که تنها تاخت و تاز داغش در عراق از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، حدود ۵۰۰ میلیارد دلار زیان بر جای گذاشت. به عبارت دیگر، واشنگتن به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده که ضمن احیای منافع گذشته خود در کشورهایی که در مسیر مقاومت حرکت کرده و برخی منافع آمریکا را قطع کرده‌اند، بتواند زیان این دوره از تنش‌ها را نیز باز پس گیرد. آمریکایی‌ها می‌دانند کمتر کشوری به پول، فناوری و توانایی‌های مدیریتی بازسازی دسترسی دارد و از این رو بازسازی، سهم خود آمریکا خواهد شد. اگر کشوری مانند چین با تعدادی از دولت‌های دیگر نیز درصدد پیشسازی از آمریکا باشند، تسلط امنیتی واشنگتن مانع از ایفای نقش توسط آنها خواهد شد. ۴. به نظر می‌رسد آمریکا بنا به دلایلی، تمایل دارد هم‌زمان و همراه با کشورهای منطقه، رژیم صهیونیستی نیز آسیب‌هایی جدی متحمل شود. این مسئله پیامد‌های مهمی بر منطقه دارد. در وهله نخست، تخریب منطقه نمی‌تواند برای قوای تخریبگر بدون پیامد باشد و بر همین اساس آمریکا تصمیم گرفته به جای آنکه خود مستقیما منطقه را تخریب کرده و ضریبات انتقام‌جویانه‌ای را متحمل شود، این کار را به وسیله رژیم صهیونیستی انجام دهد.

دوم آنکه، تخریب منطقه نیازمند جنگ فرسایشی است که آمریکا نمی‌تواند خارج از منطقه آن را مدیریت کند. اگر آمریکا مستقیما تخریب منطقه را اجرا

